دسته‌بندي انتقادات وارد شده به «منشور حقوق شهروندي»

27 بهمن 1392

# نادرستي جايگاه توليد منشور

1. روشن نبودن جايگاه حقوقي منشور در نظام حقوقي كشور
   1. منشور بمثابه يك مرامنامه؛ عهدي نانوشته بين رئيس جمهور و وزرا
2. عدم تحقق اهداف منشور به دليل درگير نكردن دو قوه مقننه و قضاييه
   1. تعهد دولت به مسائلي كه اختياري در آن‌ها ندارد، با انتشار منشور
   2. وظيفه داشتن هر سه قوه در حفاظت از حقوق شهروندي
   3. عدم قدرت دولت در برداشتن اين بار
   4. غفلت از شبكه گسترده قضايي قوه قضاييه در توانمندي حفظ حقوق شهروندي

# نواقص كيفي در نگارش منشور

1. عدم صراحت منشور
   1. بسنده كردن به الفاط كلّي تفسيربردار
      1. مقيّد كردن آزادي‌ها به قيدهاي مبهم قابل تفسير نادرست
   2. عدم ذكر واژه‌هاي «برابري» و «مساوات» جز در چند مورد مبهم
   3. توجه نكردن به ظرافت‌هاي حقوقي در نگارش سند
2. تعريف نشدن شهروند و حقوق شهروندي در اين سند
   1. درك ضعيف نويسندگان آن از حقوق شهروندي
   2. عدم بيان تفاوت حقوق شهروندي با حقوق مدني و حقوق بشر
3. فاقد «جسارت» بودن منشور
4. اشتباه در استفاده از رويكرد كلاسيك به حقوق شهروندي
   1. ضرورت استفاده از رويكرد تلفيقي همه‌جانبه
   2. ليبرالي و فردگرايانه بودن رويكرد كلاسيك
   3. توجه به آزادي‌هاي گروهي، حقوق جمعي، توسعه پايدار و محيط‌زيست در رويكرد تلفيقي
5. عدم استفاده از فقه شيعه و قرآن كريم در تدوين منشور
   1. هم‌خواني نداشتن با نگرش ديني
      1. لغو سهميه‌بندي جنسيتي دانشگاه‌ها
6. داشتن گسست دروني؛ طبقه‌بندي شدن شهروندان در سند حقوق شهروندي
   1. تعريف زنان در خدمت به خانواده و بارآوري نسل
   2. تقسيم شهروندان به
      1. نخبه و غيرنخبه
      2. زن و مرد
      3. سرمايه‌دار و فاقد سرمايه
      4. ثروتمند و فقير
      5. مفيد و مجرم، معتاد، سالخورده
   3. طبيعي تلقّي شدن نابرابري‌هاي اجتماعي در اين سند
7. فقدان تعريف از جرم سياسي
   1. تفاوت نگذاشتن ميان جرم سياسي با ساير جرائم؛ اشكال منشور
8. عدم بحث از مشاركت سياسي
9. صحبت از «انسان مطيع و اقتصادي» به جاي بحث از «انسان انقلابي» در منشور
10. عقب‌تر بودن از قانون اساسي
    1. عدم ذكر پاره‌اي از حقوق اعطا شده به ملّت در قانون اساسي
    2. محوّل كردن پاره‌اي وظايف دولت به سازمان‌هاي غيردولتي

# نواقص در حقوق ذكر شده منشور

1. عدم ذكر «اقليت‌هاي ديني»
2. كم‌رنگ بودن بخش‌هاي مربوط به حقوق «اقليت‌ها» در منشور
3. عدم توجه به «پناهندگان» و «مهاجرين»
   1. توجه نكردن به حقوق ميليون‌ها پناهنده ساكن كشور
   2. عدم پرداختن به وظيفه دولت در قبال «افغان‌ستيزي‌»هاي آشكار
   3. خلأ قانوني جرم نبودن رفتارهاي نژادپرستانه
4. نپرداختن به «حق نافرماني مدني» براي الزام دولتمردان به مطالبات مردمي
   1. ذكر نشدن «حق تجمع و تظاهرات مسالمت‌آميز»
   2. عدم ذكر «حق اعتصاب» و ايجاد نهادهاي صنفي و سنديكايي
5. ذكر نشدن حقوق «ارباب رجوع»
6. نيامدن حقوق «غيرمهم» شهرندي در منشور
   1. اكتفا به ذكر «مهم‌ترين حقوق شهروندي» در فصل دوم
7. نپرداختن به بحث «آزادي‌هاي گروهي»
   1. توجه به آزادي سازمان‌هاي مردم‌نهاد؛ فراتر از آزادي‌هاي فردي
8. عدم ذكر حق «دسترسي به اينترنت» در منشور
9. توجه نشدن به «شايسته‌سالاري» در تعيين مناصب
10. نداشتن تمهيدي براي جلوگيري از خشونت‌هاي قانوني و فراقانوني نسبت به شهروندان
11. سكوت نسبت به آزار جنسي زنان و كودك‌آزاري

# موانع اجرايي منشور

1. اجرا نشدن قوانين موجود؛ مهم‌ترين مشكل شهروندي
   1. تحقق نيافتن حقوق اقوام و اقليت‌ها به دليل اجرا نشدن قانون اساسي
   2. تكراري بودن منشور نسبت به قانون اساسي و قوانين عادي
      1. نداشتن مطلب جديد نسبت به قوانين موجود
   3. وضع قانون جديد؛ يكي از راه‌‌هاي گريز از فشار اجتماعي، براي عدم اجراي قوانين موجود
   4. وجود پاره‌اي قوانين متروك‌مانده در كشور
2. افزايش آشفتگي اجتماعي در صورت عملي نشدن منشور با توجه به توقعاتي كه ايجاد مي‌كند
3. عدم تحقق منشور به دليل نبود نظارت مردمي
   1. ضرورت حضور كارشناسان در فضاي خالي ميان قانون و مردم
   2. ضرورت از پايين به بالا بودن روند توليد منشور حقوق شهروندي
      1. تنظيم منشور حقوق شهروندي توسط انسان‌هاي آزاده، نه دولت
      2. عدم قدرت دولت بر اعطاي حقي كه مردم خودشان آن حق را دارند
   3. به رسميت شناخته نشدن نظارت مردمي در اين منشور
   4. نبود مركزي در كشور براي رسيدگي به شكايت‌هاي حقوق شهروندي
   5. جرأت داده نشدن به گروه‌هاي مردمي براي احقاق حقوق خود
4. ايرادات سازوكار اجرايي منشور
   1. اشاره نشدن به تركيب اعضاي نهاد ذكر شده در فصل سوّم
      1. تبديل شدن اين نهاد به پاتوقي سياسي براي فرصت‌طلبان
      2. بايد متشكل از خود شهروندان باشد، نه دولتمردان
      3. ضرورت حضور نمايندگان سازمان‌هاي مردم‌نهاد در سازوكار آن
      4. عدم حضور زنان،‌ اقوام و اقليت‌ها در اين سازوكار
   2. ضمانت اجرايي نداشتن مواد منشور
      1. ضمانت اجرايي نداشتن؛ ابتدا و مقدمه ايجاد ديكتاتوري
5. نبود عزم در دولتمردان براي تحقق حقوق شهروندي
   1. كافي نبودن توليد قانون براي تحقق حقوق شهروندي
   2. عدم اجراي قوانين «رعايت حريم خصوصي» در حال حاضر
   3. ناديده گرفتن حقوق افراد توسط «حراست»هاي وزارتخانه‌هاي دولتي
   4. وضع قانون جديد؛ يكي از راه‌‌هاي گريز از فشار اجتماعي، براي عدم اجراي قوانين موجود
   5. تلاش براي رفع موانع حقوق شهروندي به جاي تدوين منشور

